

# روش نقد

نقد هدف‌ها و مکتب‌ها

علی صفایی‌هانی (عین.صاد)

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

صفای حائری، علی، ۳۳-۳۷۸

از سری روئش‌ها، روش نقد جلد اول / علی صفای حائری (عین-صاد).

قم: انتشارات لیلة القدر، ۱۳۸۶.

۱۲۰ص:

فیفا.

نقد هدف‌ها و مکتب‌ها

نقد ادبی

۷۹ص / ۸۱ PN

۸۰/۹۵

۸۱-۱۹۷۲۱ م

۳-۳-۷۸۰۳-۹۶۴-۹۷۸

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

وضعیت فهرست‌نویسی:

موضوع:

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

شابک:

## روش نقد/نقد هدف‌ها و مکتب‌ها

علی صفای حائری (عین-صاد)

■ چاپ هشتم: ۱۴۰۱

■ چاپ: عمران

■ شمارگان: ۷۰۰

■ تلفن مرکز فروش: ۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸ / ۰۲۲-۹۱۲۷۴۶۱

■ همه حقوق این اثر متعلق به ناشر است



انتشارات لیلة القدر  
۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸



انتشارات ذکرا  
۰۲۱-۸۶۰۴۵۷۸۰

## فهرست

نگاهی کلی ..... ۷

### فصل اول: نقد

۱- مفهوم نقد ..... ۱۵

۲- ضرورت نقد ..... ۱۹

۲- معیار نقد ..... ۲۳

۲- روش نقد ..... ۲۵

۲- قلمرو نقد ..... ۳۳

### فصل دوم: نقد هدف‌ها

نیازها ..... ۳۹

آفریدگار نیازها ..... ۳۹

تنوع نیازها ..... ۴۱

دگرگونی هدف‌ها ..... ۴۱

ضرورت انتخاب ..... ۴۲

روش نقد هدف‌ها ..... ۴۴

### فصل سوم: نقد مکتب‌ها

نقد مکتب‌ها ..... ۵۹

۱- نیازها ..... ۶۱

۲- طرح کلی ..... ۶۵

۳- نقش تاریخی و اثر عملی ..... ۸۹

۴- تجربه اثر عملی ..... ۱۰۹

## نگاهی کلی

هیچ شده که در جمع‌ها و نشست‌ها، شاهد درگیری‌های چند ساعته و کینه‌های گره خورده، باشی؟ گره‌هایی که چندین سال باز نمی‌شوند. من زیاد شاهد بوده‌ام و می‌دیدم که خیلی ساده، یک ارزش، یک عقیده، یک آدم، یک مکتب، زیر تیغ انتقاد می‌رفتند. و نقد تا آن حد مبتذل می‌شد که شکل صورت و دماغ قلمی یا احوالپرسی او می‌توانست میاندار نقد باشد.

باز زیاد به از خود راضی‌ها و خود خورها می‌رسیدم یا لااقل این دو حالت خود رضایی و خود خوری را در خود احساس می‌کردم.

آن شهادت‌ها و این احساس‌ها، مرا وادار کرد تا به سوی معیار و اندازه‌هایی برای نقد رو بیاورم و همچون کسانی که اشتباه حواس را باور کرده‌اند در جست و جوی ابزار علمی و غیر متأثر و ثابتی، آستین بالا بزنم. من برای نقد خودم و جلوگیری از غرورها و خود رضایی‌ها، راه‌های

زیادی داشتم؛ چون بازدهی را با دارایی‌ها مقایسه می‌کردم؛ چون خودم را با نامردهایی مقایسه می‌کردم که برای هیچ از خود می‌گذرند؛ چون خودم را با خودم مقایسه می‌کردم که در راه گنگ گرفته‌ی خانه‌ام و بیماری فرزندم، از هیچ مایه می‌گرفتم و...

در کنار این همه راه برای شناسایی و ارزیابی و نقد خودم، یک راه ساده داشتم. هر چه مرا خوشحال می‌کرد و یا رنج می‌داد، من همان بودم، همانقدر بودم.

به خودم می‌گفتم، تو فریب کارهای بزرگ و کوچک و حرف‌های ریز و درشت را نخور. تو درست‌همانی هستی که تو را خوشحال و یا رنجیده می‌سازد.

برای نقد و ارزیابی دیگران؛ چه دوست و چه دشمن، چه همراه و چه سنگ راه، آنها را و کردارهایشان را، با هدفشان می‌سنجیدم و هدف‌ها را با روشی که در این نوشته آمده می‌توانستم نقد بزنم و ارزیابی کنم.

برای نقد مکتب‌هایی که مثل قارچ سبز می‌شدند، به آنچه که می‌دهند و به نیازهایی که تأمین می‌کردند، نظر داشتم ...

این شکل ابتدایی کار بود. آن هنگام که شروع کردم، نقد در وسعت چشم‌گیرتری نمودار شد تا آنجا که نقد نقد و نقد ارزش‌های ثابت برای نقادی، در قلمرو نقد درآمدند.

در این نوشته‌ها پس از بررسی مفهوم و ضرورت نقد به معیار و روش نقد، نظر شده. آنگاه هدف‌ها و سپس مکتب‌ها و سپس آدم‌ها و عمل‌ها، از

راه‌های گوناگونی، انتقاد شده‌اند. درباره‌ی نقد شناخت و نقد هنر هم، جدا، کارهایی ادامه می‌یابد.

آنچه در این نوشته‌ها مطلوب است، نزدیک کردن راه‌های دوری است که عمرها را می‌بلعد و جدا شدن از گذشت‌ها و نرمش‌ها و از سخت‌گیری‌ها و خشکی‌هایی است که در حق خویشان و دیگران داریم؛ سخت‌گیری‌ها و نرمش‌هایی که باروری و شکوفایی ما را تهدید کرده‌اند و باعث شکست‌های بی‌حساب و یا رویش‌های بی‌تناسب گردیده‌اند.